

مجموعه‌ی

«روزگارِ نخست»

رساله در باب خشم

نویسنده:

لوکیوس آنائیوس سینکا

مترجم:

پریسا حکیم‌جوادی



فهرست

- ۹..... درباره‌ی ترجمه‌ی فارسی
- ۱۱..... مقدمه‌ی ترجمه‌ی انگلیسی
- ۱۱..... رساله
- ۱۳..... نظریه
- ۲۱..... مداوا
- ۲۷..... مداواگر و مخاطبان او
- ۳۳..... متن رساله‌ی «در باب خشم»
- ۳۳..... دفتر یکم
- ۷۱..... دفتر دوم
- ۱۲۵..... دفتر سوم
- ۱۸۹..... یادداشت‌های مترجم انگلیسی
- ۲۶۵..... فرهنگ واژگان
- ۲۹۵..... نام‌ها

• مقدمه‌ی ترجمه‌ی انگلیسی

به قلم رابرت ای. کستر

رساله

زمانی در قرن اول میلادی آنایئوس نواتئوس، برادر سنکا، از او خواست «راهی برای تسکین خشم تجویز کند» (۱. ۱. ۱). در هر صورت، این ادعای سنکا در نخستین جمله‌ی «در باب خشم» است.^[۱] نوشتن - یا ادعای نوشتن - در واکنش به چنین درخواستی، رسمی بود که از دیرباز در نامه‌های مؤدبانه برقرار بود، و [فهم مردم آن روزگار از این رسم آن بود] که «تو»یی که سنکا در خلال رساله مخاطب قرار می‌دهد گروه گسترده‌ای از مردمان را، فراتر از خودِ نواتئوس، نمایندگی می‌کند. شکلی که سنکا به [پاسخ] خود بخشیده - ترکیبی از نظریه و مداوا که در آن دومی به اولی به‌عنوان پیش‌فرض نیاز دارد - نیز مطابق رسم [آن دوران] است. در سنت رواقی، که سنکا پیرو آن بود، فیلسوف بزرگ، خروسیپئوس (حدود ۲۰۷-۲۸۰ پیش از میلاد)، چهار دفتر درباره‌ی احساسات نوشته بود که به‌طور مشابه، فهم او از چیستی احساسات را قبل از اندرز دادن درباره‌ی

۱. به ترتیب از راست به چپ: (شماره‌ی دفتر، شماره‌ی بخش، شماره‌ی بند). این بخش‌بندی‌ها را مترجمان انگلیسی به متن افزوده‌اند. - م.

• متن رساله‌ی «در باب خشم»^[۳۲]

دفتر یکم

۱. نُواتُوس، با سماجت مرا ناگزیر ساختی که راهی برای تسکین خشم تجویز کنم. برداشت من [از سماجت تو] این است که به‌درستی از این احساس، خصوصاً به‌عنوان [احساسی] پلید و شورمند، ترسیده‌ای^[۳۳]. [حال و هوایی] آرام و خاموش سایر احساس‌ها را فرا گرفته است، اما این احساس به‌تمامی در یورشی تهییج‌شده [شکل می‌گیرد]^[۳۴]. این احساس، با غلیانی از میلی غیرانسانی به [صدمه‌زدن] در نبرد و خون‌ریختن در مجازات، مادامی که بتواند به دیگری صدمه زند، [برای خود اهمیتی قائل نیست]: [چنین احساسی،] تشنه‌ی انتقامی که منتقم را هم به زیر خواهد کشید، خود را بر سلاح‌هایی که به سویش افراشته شده‌اند می‌اندازد^[۳۵].

۱-۲. از این روست که برخی خردمندان گفته‌اند خشم گونه‌ای دیوانگی کوتاه‌مدت است^[۳۶]، چرا که کمتر از دیوانگی فاقد خویشتن‌داری، از یابدرنده‌ی نجابت، بی‌توجه به بستگی‌های [بین] فردی، تسلیم‌ناپذیرانه معطوف به هدف خود، بُریده از تأمل عاقلانه، برانگیخته بدون دلیلی قابل‌توجه، [و نامناسب] و ناروا جهت درک انصاف و راستی نیست، همچون بنایی در حال فرو ریختن که در حال له‌کردن آن‌چه بر روی آن فرو